

عنوان مقاله:

نوس: دانش علمی برهان ناپذیر و ملکه ی معرفتی ارسطو

محل انتشار:

دوفصلنامه فلسفه، دوره 11، شماره 2 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسنده:

مهدی قوام صفری - دانشیار گروه فلسفه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

ارسطو در فصل پایانی کتاب دوم تحلیلات ثانوی (بعد از این ت. ث.) در باب آرخای دانش علمی (اپیستمه) دو پرسش می‌پرسد و سپس به هر دو پرسش پاسخ می‌دهد. نوس مفهوم محوری هر دو پاسخ اوست. اما از آنجا که سخن او در باب نوس به اندازه‌ی کافی روشن نیست درک منظور او مستلزم روشنگری در باب چیستی نوس است. در هر دو پاسخ او، و البته در جاهای دیگر نیز، نوس هکسیس نفس معرفی می‌شود اما او در پاسخ دوم به گونه‌ای سخن می‌گوید که نوس در ردیف مراحل و مراتب معرفت انسان قرار می‌گیرد. در این مقاله پس از مطرح کردن پرسش دوم و پاسخ ارسطو به آن در بخش اول، معناهای هکسیس در بخش دوم بررسی شده و برای آن سه معنای محوری معرفی شده است. از آنجا که بعضی از مفسران بنا بر دلایلی که دارند وسوسه شده‌اند هکسیس را در سراسر ت. ث. قوه (دونامیس) بپهمنند بخش سوم مقاله به بررسی این مسئله اختصاص یافته است که آیا هکسیس قوه است؟ بخش اول مقاله با روشن شدن پاسخ این مسئله پایان می‌یابد. بررسی چیستی نوس در بخش دوم مقاله خواهد آمد.

کلمات کلیدی:

نوس، هکسیس، ملکه معرفتی، اپیستمه، دانش علمی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1749538>

